



خبرنامه اطلاع رسانی داخلی
دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم
ویژه نامه ولادت حضرت زینب (س)



بَابُ زَيْنَبِ

امام حسن (علیه السلام)
ان شیعتنا من سلبت قلوبهم من کل عین غل، و غل
بمانا شیعه ما کسی است که قلبش از هر گونه آلودگی و ناپاکی و خیانت پاک باشد.



زینب کبری (س): آئینه دار امیرالمؤمنین (ع)

بر طبق نگارش برخی از محققان ولادت حضرت زینب (س) پنجم ماه جمادی الاولی سال پنجم یا ششم هجری و در مدینه منوره است. نقل شده، هنگام تولد حضرت زینب (س)، بیت نبوی (ص) انتظار تولد آن حضرت را می کشیدند و وقتی آن حضرت به دنیا آمد، این مژده و بشارت پخش شد که حضرت زهرا (س)، دختر به دنیا آورده است، حضرت زهرا (س) دارای چهار فرزند پسر و دختر است که عبارتند از: حضرت امام حسن (ع) (فرزند اول) و امام حسین (ع) (فرزند دوم) و زینب کبری (س) (فرزند سوم) و زینب صغری (س) که کنیه اش ام کلثوم است (فرزند چهارم) و همچنین محسن (ع) فرزند پنجمی که در حادثه هجوم بر در خانه حضرت زهرا (س) از دنیا رفت.

نام، کنیه و القاب حضرت زینب (س)

هنگامی که آن حضرت، متولد شد، مادرش حضرت زهرا (س) او را نزد پدرش امیرالمؤمنین (ع) آورده و گفت: این نوزاد را نام گذاری کنید، ولی حضرت فرمود: من از رسول خدا (ص) در این کار پیشی نمی گیرم. در این ایام، حضرت رسول (ص) در مسافرت بودند. پس از مراجعت از سفر، امیرالمؤمنین (ع) به حضرت عرض کرد: نامی برای این نوزاد انتخاب کنید، رسول خدا (ص) فرمود: من بر پروردگارم، در این امر، سبقت نمی گیرم. در این هنگام جبرئیل (ع) فرود آمده، سلام خداوند بزرگ را به پیامبر ابلاغ کرده و گفت: نام این نوزاد را «زینب» بگذارید! خداوند این نام را برای او برگزیده است، آنگاه مصایب و مشکلاتی را که بر آن حضرت وارد خواهد شد، بازگو کرد. پیامبر اکرم (ص) گریست همان طور که هنگام ولادت امام حسین (ع) گریست، و فرمود: «هر که بر مصیبت های این دختر بگرید مانند آن است که بر دو برادرش؛ یعنی حسن و حسین (ع) گریسته باشد».

و حضرت توصیه فرمودند که این طفل را همواره گرمی بدارید؛ چون او شبیه جده اش حضرت خدیجه کبری (س) است. یعنی همان گونه که حضرت خدیجه (س) در آغاز بعثت با شجاعت و فداکاری متحمل زحمات زیادی شد تا نهال نورسته اسلام حفظ و بارور شود، حضرت زینب (س) نیز با صبر و ایثار و تحمل سخت ترین فشارها از به خطر افتادن اساس اسلام جلوگیری به عمل می آورند.

زینب کبری تا حدود پنج یا شش سالگی، تحت اشراف شخص پیامبر اکرم (ص) و در آغوش مادر بزرگوارش حضرت زهرا (س) پرورش یافت و از این پس، مسؤولیت تربیت و پرورش او به عهده علی (ع) گذارده شد. تا اینکه در سال ۱۷ هجری به همسری پسر عمویش، عبدالله بن جعفر درآمد. سال ها بعد زمانی که مردم با امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (ع) بیعت کردند، حضرت برای یاری پدر از مدینه به کوفه رفت و در مدت پنج سال دوران سخت حکومت علی (ع)، همواره یار و تسکین بخش غم های پدر بود و زنان کوفه را آموزش می داد.

چون علی (ع) در محراب عبادت با شمشیر ابن ملجم مرادی ملعون ضربت خورد، پرستاری آن حضرت را بر عهده گرفت و به دنبال شهادت امیرالمؤمنین (ع) و هنگام نوبت امامت برادر بزرگش امام حسن (ع) در کنار برادر قرار گرفت و آن گاه که امام حسن (ع) از کوفه به مدینه برگشت، به همراه ایشان به مدینه آمد. وقتی که در سال ۵۰ هجری معاویه حضرت امام حسن (ع) را مسموم کرد، باز غمخواری و پرستاری برادر با زینب بود و پس از شهادت امام حسن (ع) در خدمت امام حسین (ع) بود و زمانی که در سال ۶۰ هجری امام حسین (ع) عازم مکه شد، به همراه آن حضرت از مدینه خارج گردید و از آن لحظه به بعد تا روز عاشورا در خدمت به قیام اباعبدالله (ع) تلاش می کرد و لحظه ای از آن حضرت جدا نگردید. نقل می کنند در جریان حرکت به سوی عراق ابن عباس به امام حسین (ع) گفت: اگر ناگزیر باید به این سفر بروید، حداقل این زنان و بچه ها را با خود نبرید. در این لحظه، حضرت زینب (س) خطاب به ابن عباس فرمود: ... سوگند به خدا از حسین جدا نخواهم شد، همراه او خواهم بود با او زندگی کرده و با او می میرم.

کنیه حضرت زینب (س) ام کلثوم و ام الحسن است. اما حضرت زینب (س)، القاب زیادی دارند که در ذیل به بعضی از آنها به همراه معانی شان اشاره می شود:

۱- عالمه غیر معلمه: دانای بی آموزگار.

۲- فهمة غیر مفهمة: فهمیده بدون فهماننده.

۳- کعبه الرزایا: قبله رنج ها.

۴- نایبة الزهراء (س): جانشین و نماینده حضرت زهرا (س).

۵- نایبة الحسین (ع): جانشین و نماینده حضرت حسین (ع).

۶- عقیله بنی هاشم: بانوی خردمند بنی هاشم، عقیله النساء: خردمند بانوان، عقیله خدر الرسالة: خردمند پرده نشینان رسالت، عقیله الطالبین: زن خردمند از خاندان حضرت ابو طالب (و در بین

طالبیان)، عقیله الوحی: بانوی خردمند وحی، عقیله النبوة: بانوی خردمند پیامبری، عقیله القریش: بانوی خردمند از قریش، سیده العقائل: بانوی زنان خردمند.

۸- عدیلة الخامس من اهل الکساء: همتای پنجمین نفر از اهل کساء (امام حسین) (ع).

۹- کفيلة السجّاد: سرپرست حضرت سجّاد (ع).

۱۰- سرّ آبیها: راز پدرش علی (ع).

۱۱- الصدیقه الصغری: صدیقه کوچک تر. به این لقب ملقب شده تا با مادرش صدیقه کبری فاطمه زهرا (س)، اشتباه نشود. چه این که به ایشان زینب کبری گفته می شود تا میان او و دیگر خواهرش (ام کلثوم) که به نام و کنیه او خوانده می شود، فرق باشد.

۱۲- عابدة آل علی: پارسای خاندان علی (ع).

۱۳- بطلة کربلاء: قهرمان کربلا.

۱۴- عظيمة بلواها: بانویی که امتحانش بس بزرگ بود.

۱۵- الباکية: بانوی گریان.

۱۶- سلیلة الزهراء: چکیده و خلاصه حضرت زهرا.

۱۷- امینه الله: امانت دار الاهی.

۱۸- آية من آیات الله: نشانی از نشانه های خداوند.

۱۹- مظلومة وحيدة: ستم دیده تنها.

۲۰- صابرة محتسبة: پایداری کننده به حساب خداوند و برای خداوند.

همسر و فرزندان حضرت زینب (س)

همسر زینب کبری (س)، عبد الله بن جعفر (پسر جعفر طیار) است. وی، نخستین نوزاد مسلمان در حبشه بود. در ایامی که پدرش «جعفر بن ابی طالب» به حبشه هجرت کرده بود، در آن کشور به دنیا آمد. مادرش «اسماء بنت عمیس» بود. اسماء، پس از شهادت جعفر طیار در جنگ موته، به همسری ابوبکر، سپس علی بن ابی طالب (ع) در آمد. عبد الله بن جعفر، مورد عنایت خاص پیامبر اکرم (ص) بود، به ویژه که پدرش سردار شهید جبهه اسلام به شمار می آمد. همچنین مورد علاقه امیرالمؤمنین (ع) بود و ارادتی شایان به امام حسن و امام حسین (ع) داشت و مردی سخاوتمند و اهل جود و بخشش بود.

جناب عبد الله بن جعفر، پسرعموی حضرت زینب (س) است و امیرالمؤمنین (ع) با موافقت این ازدواج، به این سفارش رسول خدا (ص) عمل نمود که روزی آن حضرت نگاه مبارکش به فرزندان علی و جعفر (ع) افتاد و فرمود: «دختران ما از آن پسران ما هستند و پسران ما به دختران ما اختصاص دارند».

نقل شده که حضرت زینب (س) در هنگام ازدواج با عبدالله، ۱۱ ساله بوده است و فرزندان آن حضرت، چهار پسر و یک دختر بوده اند به نام های: علی، عون الاکبر، محمد، عباس و ام کلثوم. از بین این فرزندان، عون و محمد در کربلا حضور داشته و در رکاب حضرت سید الشهدا (ع) به شهادت رسیدند.

فضایل حضرت زینب (س)

حضرت زینب (س) چهره ای نورانی همچون ماه داشت. پیامبر (ص) در هنگام تولد او فرموده بود به همه حاضرین و غائبین اتمم بگویند که این دختر را محترم بدانند که نمونه و نماینده خدیجه کبری (س) است. حضرت سجّاد (ع) در وصف عمه اش زینب کبری (س) فرمود: «انت بحمدالله عالمة غیر معلمة، فهمة غیر مفهمة، عمه جان! به حمدالله، دانش تو، دانشی الهی است و فهمی که در قلب شریف تو وجود دارد از منبع فیض الهی است». ایشان به مدت

پنج سال، وجود مبارک پیامبر اکرم (ص) و فاطمه زهرا (س) را درک نمودند و این پنج سال، فرصتی بود که از نور وجود این دو دردانه زمان، بهره گیرد، در دامان پر مهر و عطف آنان رشد نماید، از جرعه های معرفت سیراب شود و حدیث صبر و استقامت در دفتر وجودش بنگارد.

همراهی در سفر کربلا

هنگام حرکت به سوی کربلا، همراه برادر عازم این سفر پر بلا شد تا برادرش را در انجام امر الهی با صبر و استقامت یاری کند. حضرت ابا عبدالله الحسین (ع)، در واپسین لحظات عمر شریف خود سفارشاتش به خواهر نمود و رسالت تبلیغ واقعه کربلا را بر دوش ایشان گذارد و زینب کبری (س) هم در انجام رسالت خویش ذره ای کوتاهی نکرد و هرچه در توان داشت به کار برد تا اسلام زنده بماند.

مهمترین خدمت حضرت زینب (س)، پس از شهادت امام حسین (ع) هدایت و رهبری، حفاظت و مراقبت از اسراء، دلداری دادن به بازماندگان شهدا و نیز حفاظت از جان امام سجّاد (ع) و رساندن پیام عاشورا و شهداء کربلاء به گوش جهانیان بود. او با خطبه های خود توانست از اسلام و حیثیت آن دفاع کند و پاسخگوی یاوه سرایی های یزید و یاراتش باشد. ایجاد تحول و انقلاب در کوفه و شام و بسیاری از کارها که حضرت زینب کبری (س) در جریان اسارت انجام داد، تنها بخشی از خدمات آن مخدره در قیام عاشوراء بود. اگر زینب کبری (س) آن خدمات ارزنده را به اسلام ارائه نمی داد، نهضت عاشوراء، راهبری پس از شهادت سیدالشهداء نمی داشت، اسرا و خصوصاً اطفال، جانشان در خطر قرار می گرفت و امام سجّاد (ع) که جانشین امامت بعد از امام حسین (ع) بود از خطر مرگ حفظ نمی شد و پیام کربلاء به شهرهای دیگر ابلاغ نمی گردید و در نتیجه نهضت عاشوراء، پایان پیروزمندانه ای نمی داشت.

وفات حضرت زینب (س)

زینب (س)، بانوی مهربان و صبوری که در تمام سال های عمرش، در کوچه پس کوچه های اندوه و مصیبت و فداکاری و عشق دویده بود، پس از عاشوراء، پس از رفتن آخرین دل خوشی و آخرین امیدش حسین (ع)، دیگر تاب تحمل دنیا را نداشت و با کوله باری از غم و محنت و فراق و رضایت و تسلیم، رحلت فرمود. در تاریخ وفات حضرت زینب (س) همانند تاریخ ولادت وی، اختلاف نظر وجود دارد. از عیبدلی که از نسب شناسان مشهور است، در «اخبار الزینبیات» پس از ذکر داستان تبعید آن حضرت از مدینه به دستور یزید، نقل شده که آن حضرت، مصر را انتخاب کرده، در شامگاه روز یکشنبه پانزدهم ماه رجب سال ۶۲ هجری در آن جا دیده از جهان فرو بست و در خانه مسلمة بن مخلد انصاری، والی آنجا، دفن شد. قول دیگر آن است که آن حضرت در نیمه رجب سال ۶۵ هجری در دمشق رحلت فرموده است. سن آن حضرت هنگام ارتحال، ۵۵ یا ۵۸ ساله ذکر شده است.

مرقد حضرت زینب (س)

درباره اینکه حضرت زینب (س) در چه مکانی از دنیا رفته و مدفون شده، سه احتمال وجود دارد: قاهره، شام و مدینه. عمده سیره نویسان مرقد آن بانوی بزرگ را «قاهره» و «شام» گفته اند. کسانی که مرقد آن حضرت را در مصر دانسته اند، چنین گزارش داده اند که بعد از مراجعت کاروان باقی مانده واقعه

ویژه‌نامه ولادت حضرت زینب (س)

فرايض و نوافل خود را به جای می‌آورد و غفلت نداشت. فقط در یکی از منازل به خاطر شدت ضعف و گرسنگی، نشست نماز خواند که بعد معلوم شد، سه روز است غذا میل نکرده است؛ زیرا به هر اسیر، شبانه روز، یک گرده نان می‌دادند و عمه‌ام سهمیه خود را بیشتر اوقات به بچه‌ها می‌داد» عبادت زینب (ع) آنچنان در اوج است که امام حسین (ع) که خود معصوم و واسطه فیض الهی است، هنگام وداع به خواهر عابده اش می‌فرماید: «خواهرم، در نماز شبت مرا فراموش نکن». این نشان از آن دارد که این خواهر، به قله رفیع بندگی و پرستش راه یافته و به حکمت و هدف آفرینش دست یازیده است.

فاطمه دختر امام حسین (ع) می‌گوید: «عمه ام زینب (س) در آن شب (شب عاشورا)، در محراب عبادتش ایستاده دعا می‌خواند و به خدا استغاثه می‌کرد، آن شب دیدگان هیچ یک از ما به خواب نرفت و آه و ناله ما فرو نشست».

عفت و حجاب حضرت زینب (س)

عفت و پاکدامنی، برانزده ترین زینت زنان، و گرانبهارترین گوهر برای آنان است. زینب (س) درس عفت را به خوبی در مکتب پدر آموخت، پدری که فرمود: «پاداش مجاهد شهید در راه خدا، از پاداش عقیف پاکدامنی که قدرت بر گناه دارد و آلوده نمی‌گردد، بزرگ‌تر نیست. عقیف پاکدامن، فرشته‌ای از فرشته‌ها است».

یحیی مازنی روایت کرده است: مدّت‌ها در مدینه در خدمت حضرت علی (ع) به سر بردم و خانه‌ام نزدیک خانه زینب دختر امیر المؤمنین (ع) بود، به خدا سوگند هیچ‌گاه چشمم به او نیفتاد و صدایی از او به گوشم نرسید. به هنگامی که می‌خواست به زیارت جد بزرگوارش رسول خدا (ص) برود، شبانه از خانه بیرون می‌رفت، در حالی که حسن (ع) در سمت راست او و حسین (ع) در سمت چپ او و امیر المؤمنین (ع) پیش رویش راه می‌رفتند. هنگامی که به قبر شریف رسول خدا (ص) نزدیک می‌شد، حضرت علی (ع) جلو می‌رفت و نور چراغ را کم می‌کرد، یک بار امام حسن (ع) از پدر بزرگوارش درباره این کار سؤال کرد، حضرت فرمود: می‌ترسم کسی به خواهرت زینب (س) نگاه کند. زینب کبری (س) عفت و حجاب خویش را حتی در سخت‌ترین شرایط به نمایش گذاشت. او در دوران اسارت و در حرکت از کربلا تا شام، سخت بر این مسئله پای می‌فشرد. مورخین نوشته‌اند: «او صورت خود را با آستینش می‌پوشاند؛ چون روبنده اش از او گرفته شده بود».

شاعر عرب به همین قضیه اشاره کرده و می‌گوید: «زینب تمامی آنچه بر مادر گذشت را به ارث برد، منتهی دختر سهم اضافه‌ای برداشت که از خانه اش به بدترین خانه حرکت کرد (به اسارت رفت). صورت را (در اسارت) با دست راست می‌پوشاند و اگر پوشش او را نیازمند می‌کرد، از دست چپ هم بهره می‌برد».

آن بانوی بزرگوار برای پاسداری از مرزهای حیا و عفاف بر سر یزید فریاد برآورد که «ای پسر آزاد شده‌های جدمان پیامبر اسلام (ص)، آیا این از عدالت است که زنان و کنیزکان خویش را پشت پرده نشانی، و دختران رسول خدا (ص) را به صورت اسیر به این سو و آن سو بکشانی؟ نقاب آنان را دریدی و صورت‌های آنان را آشکار ساختی».

حضرت زینب (س) در کلام معصومان (ع)

یکی از بهترین راه‌ها برای شناخت سیمای تابناک حضرت زینب (س) شناخت ایشان در آیینه کلام معصومان (ع) است. در ذیل به بعضی از فرمایشات آنان درباره آن بانوی ملکوتی اشاره می‌شود:

رسول خدا (ص) فرمود: زینب با هزار سختی به انواع بلاها گرفتار خواهد شد.

در روایتی آمده است که شخصی از امام صادق (ع) سؤال کرد: آیا پیامبر (ص) چنین فرموده است: همانا فاطمه پاکدامن است پس خداوند ذریه او را بر آتش جهنم حرام کرده است؟ حضرت در پاسخ می‌فرماید: بلی مقصود پیامبر (ص)، حسن و حسین و زینب و ام کلثوم (ع) بوده است.

حضرت زهرا (س) فرمود: محبت دخترم زینب به حسین بی‌نهایت است، که بی دیدار حسین آرام نمی‌گیرد. اگر بوی حسین را نشنود، قالب تهی می‌کند.

امام صادق (ع) فرمود: اگر کسی بر مصیبت عمه ام زینب (س) که با برادر شریک بود گریه کند و تشکیل مجالس ذکر ما بدهد یا بشنود و گریان شود، اگر به قدر بال مگس چشمش در این مصیبت تر شود خداوند او را بیامرزد، این است ثواب و اجر گریه کنندگان بر مصیبت حضرت زینب (س).

منبع: همشهری آنلاین

گردن مسلمین سوار کرده است (یعنی معاویه)، خواهد دانست که چه جانشین بدی برای خود تعیین کرده و در روز جزا درخواهید یافت که بدترین مکان از آن کیست؟ و بدبختی و ضعف و زبونی شامل چه افرادی خواهد شد.

علم و معرفت حضرت زینب (س)

حضرت زینب کبری (س)، علم خود را از طریق غیب و الهام و از طریق جد بزرگوارش، پدر ارجمند، مادر گرامی و برادران عزیزش (ع) دارد، که متصل به وحی هستند.

درباره مقام علمی آن حضرت گفته شده: «زینب (س) در شهر علم پیامبر (ص) رشد یافته سپس در دامن دروازه علم آن حضرت -امیر المؤمنین علی (ع)- بزرگ شده، از سینه مادرش حضرت زهرا (س) شیر مکیده و تغذیه کرده است و عمری را با دو امام بزرگوار که نواده رسول خدا هستند، به سر برده و آنان شاهد علم را به کام او ریخته و به او چشانیده‌اند. او گنجینه علوم آل محمد (ع) و نمونه فضایل آنان است».

حضرت زینب (س) از جمله راویان حدیث می‌باشد. ایشان از مادر، پدر، برادرانش، ام سلمه، ام هانی و دیگر زنان روایت می‌کرد و از جمله کسانی که از او روایت کرده‌اند، ابن عباس، علی بن الحسین (امام سجاد) (ع)، عبد الله بن جعفر، فاطمه صغری دختر امام حسین (ع) و دیگران هستند.

شیخ طبرسی (ره) می‌گوید: حضرت زینب (س) روایات بسیاری را از قول مادرش حضرت زهرا (س) روایت کرده است.

از سخنان حضرت زینب (س) در طول مسافرت کربلا، کوفه و شام و خطبه‌ها و سخنرانی‌هایی که در فرصت‌های مختلف در برابر ستم‌کاران و طاغوتیان آن زمان و مردم دیگر ایراد فرمود، به خوبی معلوم می‌شود که مراتب علم و دانش و کمال آن بانوی بزرگوار از راه تحمیل و تعلیم اکتسابی نبوده و بهره‌ای الهی و جنبه خارق‌العاده داشته است. شاهد این مطلب، کلام امام سجاد (ع) است که پس از خطبه کوفه به او فرمود: «عمه جان آرام باش و سکوت اختیار کن که تو حمد الله دانشمندی بدون آموزگار، و فهمیده‌ای بدون فهماننده هستی».

از فاضل دربندی در ضمن بیان این فرمایش حضرت سجاد (ع) نقل شده که این سخن، خود دلیل و حجت بر آن است که زینب دختر حضرت امیر المؤمنین (ع) «محدثه» بوده؛ یعنی به او الهام می‌شده و علم او از علوم لدنی و آثار باطنی می‌باشد.

علامه فاضل، سید نور الدین جزائری در کتاب خود می‌نویسد: در دوران حکومت حضرت علی (ع)، حضرت زینب (س) مجلس درسی در خانه خود ترتیب داده بود و برای زنان، قرآن، تفسیر می‌کرد. روزی تفسیر آیه شریفه «کهیص» را بیان می‌کرد که حضرت علی (ع) وارد شد و به او فرمود: نور چشمم! شنیدم آیه شریفه «کهیص» را تفسیر می‌کردی؟ گفت: آری. فرمود: «این رمزی است برای مصیبتی که بر شما خاندان پیامبر (ص) وارد می‌شود. بعد حضرت مصائب را تشریح فرمود و زینب (س) با صدای بلند گریه کرد».

در فضل و معرفت آن حضرت همین بس که حضرت صادق (ع) به رفتار و کردار او در واقعه عاشورا استدلال کرده است، چنان که در کتاب «جواهر الکلام» مرحوم نجفی، در جواز و عدم جواز دریدن جامه در مرگ پدر و برادر از حضرت صادق (ع) روایت شده که فرمود: در عزای حسین بن علی (ع) زنان فاطمی گریبان دریده، بر خود سیلی زدند که بر کسی همچون حسین بن علی (ع) بر صورت‌ها نواختن و گریبان‌ها چاک زدن جا دارد. صاحب جواهر در ذیل این حدیث می‌گوید: مسلم است که در آن میان دختران و خواهران حضرت (و از جمله زینب) (س) نیز بوده‌اند.

در فضل حضرت زینب (س) همین بس که پس از حادثه عاشورا نیابت خاصی از طرف امام حسین (ع) داشت و مردم در مسائل حلال و حرام به او مراجعه کرده و از او می‌پرسیدند، تا اینکه حضرت سجاد (ع) از آن بیماری که به مصلحت الهی به آن مبتلا شده بود بهبودی یافت.

عبادت حضرت زینب (س)

قرآن کریم هدف از آفرینش و خلقت انسان را عبودیت و رسیدن به کمال بندگی معرفی می‌کند: «من جن و انس را نیافریدم جز برای این که عبادت کنند».

زینب (س) این درس را به خوبی از قرآن آموخته بود. او عبادت‌ها و نماز شب‌های پدر و مادر بزرگوارش را از نزدیک دیده بود. او در کربلا شاهد بود که برادرش امام حسین (ع) در عصر تاسوعا به حضرت ابوالفضل (ع) فرمود: «به سوی آنان باز گرد و این شب (شب عاشورا) را تا فردا مهلت بگیر، شاید بتوانیم امشب را به نماز و دعا و استغفار در پیشگاه خدایمان مشغول شویم. خدا خود می‌داند که من نماز، قرائت قرآن، زیاد دعا کردن و استغفار را دوست دارم».

حضرت زینب (س) نیز از عاشقان عبادت و شب زنده داران عاشق بود، و هیچ مصیبتی او را از عبادت باز نداشت. از امام سجاد (ع) نقل شده است: «عمه‌ام زینب در مسیر اسارت از کوفه به شام همه

کربلا از شام به مدینه، جو عمومی مدینه نا آرام شد. حاکم مدینه نامه‌ای برای یزید نوشت و وضع پیش آمده در مدینه و نقش حضرت زینب (س) در بیداری و مقاومت مردم را برای یزید توضیح داد. یزید در پاسخ نوشت که زینب را از مدینه اخراج کند. حاکم مدینه اصرار داشت که زینب (س) از مدینه خارج شود. سرانجام حضرت (س) از مدینه به مصر مهاجرت نمود و مورد استقبال حاکم مصر و عده زیادی از اهالی مصر قرار گرفت. حضرت زینب (س) بعد از گذشت حدود یک سال، در قاهره رحلت نمود.

اما آنان که گفته‌اند: مقبره حضرت زینب (س) در شام است، ضمن نقل این داستان که حاکم مدینه در پی اخراج و تبعید حضرت زینب (س) بر آمد، به نقل دیگری پرداختند و آن این است: موقی که واقعه حرّه و غارت و کشتار مردم مدینه در سال ۶۲ هجری توسط یزیدیان رخ داد، عبدالله بن جعفر برای اینکه ناراحتی همسرش زینب (س) تجدید نشود و قدری از غم و اندوه او کاسته شود، و برای در امان ماندن از مرض وبا و طاعون که در مدینه شایع شده بود، به همراه همسرش زینب (س) به سوی مزرعه‌ای در شام رفتند و در آنجا اقامت گزیدند تا اینکه حضرت زینب (س) مریض شد و در آن دیار از دنیا رفت. پس از زینب کبری (س) ام کلثوم دختر دیگر حضرت علی (ع) و فاطمه زهرا (س) که نام او زینب صغری بود، مشهور به زینب کبری شد و به مصر رفت.

فضایل و اوصاف زینب (س)

حضرت زینب (س) به اعتراف همه تاریخ‌نویسان، آراسته به همه فضایل و خصلت‌های والای اخلاقی و الهی بودند و در سایه این کمالات به مرتبه‌ای از منزلت انسانی دست یافتند که شایستگی محرم راز الهی و امین ودایع امامت و ولایت بودن را حداقل در بخشی از عمر شریفشان به خود اختصاص دادند. حضرت این کمالات را به برکت عنایات خاص الهی و پاکی سرشت و نحوه تربیت و پرورش در دامن پیامبر (ص) و فاطمه (س) و امیرالمؤمنین (ع) و تلاش‌هایی که در راستای کسب سجایای اخلاقی و به جای آوردن عبادات و فرامین الهی انجام داده بود، به دست آورد، همچنان که القاب بلندی که برای ایشان ذکر شده به گوشه‌ای از عظمت شخصیت این بزرگ بانوی اسلام دلالت دارند.

صاحب کتاب «اساور من ذهب» درباره حافظه و ذکاوت آن بانوی بزرگوار چنین می‌نویسد: در اهمیت هوش و ذکاوت آن بانوی بزرگوار همین بس که خطبه طولانی و بلندی را که حضرت صدیقه کبری فاطمه زهرا (س) در دفاع از حق امیرالمؤمنین (ع) و غصب فدک در حضور اصحاب پیغمبر اکرم (ص) ایراد فرمودند، حضرت زینب (س) روایت فرموده است. و ابن عباس با آن جلالت قدر و علو مرتبه در حدیث و علم، از آن حضرت روایت نموده و از آن حضرت به عقیده تعبیر می‌کند. چنانچه ابوالفرج اصفهانی در مقاتل می‌نویسد: ابن عباس خطبه حضرت فاطمه (س) را از حضرت زینب (س) روایت کرده و می‌گوید: حدثنی عقیلتنا زینب بنت علی علیه السلام...»

فصاحت و بلاغت

کلمات و فرمایشات گهربار آن حضرت در خطبه‌هایی که از آن حضرت روایت شده خود قوی ترین دلیل بر کمال فصاحت و بلاغت آن بانوی بزرگوار می‌باشد. همان بانویی که امام سجاد (ع) در حق ایشان فرمودند: «أنت بحمد الله عالمة غیر معلّمة و فهمة غیر مفهّمة» یعنی: «ای عمه! شما الحمد لله بانوی دانشمندی هستی که تعلیم ندیده، و بانوی فهمیده‌ای هستی که بشری تو را تفهیم ننموده است».

در اینجا مروری کوتاه به قسمتی از خطبه آن حضرت در مجلس یزید که یکی از بزرگترین حرکت‌های آن حضرت، در واقعه کربلا بود که دستگاه حکومت بنی امیه را به شدت لرزاند، می‌کنیم: «به خدا قسم ای یزید، هر چه کردی بازگشت آن به سوی خودت خواهد بود، چرا که تو جز پوست خود نشکافتی و جز گوشت خود ندریدی. ای یزید! در آن روزی که خداوند بدن‌های پاک شهیدانمان را حاضر می‌کند تا حقوق خود را از ستمگر بستاند، تو بر رسول خدا (ص) وارد خواهی شد، اما می‌دانی در چه حالی؟ در حالیکه خون عزیزان او را ریخته و حرمت ذریه او را از بین برده‌ای. آری ای یزید! از این پیروزی ظاهری که به دست آورده‌ای، غرق شادی مشو، و آن عزیزان را که در کربلا به خاک و خون کشیده‌ای، مغلوب و مرده مپندار. که خداوند می‌فرماید: (کسانی را که در راه خدا شهید شده‌اند مرده مپندارید. بلکه آنان زنده‌اند و در نزد خدای خود روزی می‌خورند)

و ای یزید! برای تو همین بس که حاکم در آن روز خداوند، و دشمن تو پیامبر خدا، و یاور و پشتیبان اهل بیت جبرئیل باشد. و به زودی کسی که این مقام را برای تو زینت داده و تو را بر